

دوشنبه **•** ۱۹ بهمن ۱۳۹۴ **•** سال سیزدهم **•** شماره ۲۵۱۶ **•** ۹

شرق روزنامه

ویژه جشنواره فیلم فجر

ترجمه شعر مکاشفای در زبان است؛ گفت‌وگو با سعید سعیدپور	صفحه ۱۰
مسئولیت بی‌پایان؛ ادای احترام به ابوالحسن نجفی	صفحه ۱۱
مونسی به نام «غم‌نومه فریدون»	صفحه ۱۲

عمق میدان
تحلیلی برفیلم ابدویک روز سپید و سیاه مهدی جوانبخت
فیلم «ابد و یک روز» در سومین روز جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد. این فیلم که اولین فیلم بلند سعید روستایی به‌شمار می‌آید، توانست در نظرسنجی تماشاگران جز پنج فیلم برتر قرار گیرد. اما منتقدان نظریات متفاوتی راجع به این فیلم ابراز کرده‌اند. برای نمونه منتقدی می‌گفت این فیلم به‌لحاظ فاکتورهای سینمایی یختگی لازم را ندارد و می‌توان آن را یک نمایش‌نامه رادیویی دانست. دیگری از نداشتن ایده مناسب برای فیلم‌نامه می‌گفت و هم‌زمان از بازی‌های روان و یکدست بازیگران تعریف می‌کرد. منتقدی دیگر از پایان‌بندی فیلم کله داشت و پایان خوش فیلم را نقطه‌ضعفی برای فیلم به حساب می‌آورد. با این‌همه تماشاگر فیلم ابد و یک روز توانست با داستان فیلم، که در بستر حوادث تلخ روزمره خانواده‌ای در جنوب شهر شکل می‌گیرد، هم بخندد و هم اشک بریزد. درون‌مایه فیلم، فقر و اعتیاد است و تبعات ناشی از آن که خانواده را در آستانه فروپاشی قرار می‌دهد. به‌لحاظ سبک اما فیلم‌ساز کاملاً جنبه رئالیست‌بودن فیلم و قصه‌اش را حفظ کرده است. ابد و یک روز فیلم پُرسکاسنی است و کارگردان با وجود این تعداد سکانس توانسته بود خط داستانی را حفظ و در چینش سکانس‌ها کنار هم به ترکیب خوبی دست پیدا کند. روستایی در شخصیت‌پردازی افراد بازی هم راه به بیراهه نبرده بود و بازی‌های خوب بازیگران مؤید این نکته است. این امر که شخصیت در وهله اول یک تیپ به حساب می‌آید و به‌مرور از او رمزگشایی می‌شود و آشنایی‌زدایی تماشاگر از این تیپ به بسط شخصیت می‌انجامد، از نقاط قوت شخصیت‌پردازی در ابد و یک روز به شمار می‌آید. اما مثلاً داشتن فرزند پسر۱۲،۰۱ساله برای مادر پیر خانواده از نظر تماشاگر باورپذیر نبود. نکته دیگر در این فیلم، بحث تبعیض نژادی است. اینکه دختری به‌خاطر دورنشدن از خانواده‌اش و نیاز خانواده به او، از ازدواج با یک شهروند افغانستان چشم‌پوشی کند و به خانه بازگردد؛ متفاوت است از آنچه خانواده او راجع به ازدواج او با یک افغانی می‌گفتند. منتقدی می‌گفت چه خوب‌تر می‌بود اگر دختر به خانه باز نمی‌گشت و فیلم با یک پایان خوش تمام نمی‌شد. شاید بتوان این نگاه را سلیقه‌ای دانست اما نکته این منتقد، خالی از لطف هم نیست و این پایان‌گردانی نشانگر رویکرد فیلم‌ساز به جلب نظر تماشاگر و داشتن نگاهی به گیشه است تا دیدگاهی با بن‌مایه نژادپرستی. با این‌همه باید ابد و یک روز را دید و قضاوت را به تماشاگر سپرد.

دور ایران
۵ فیلم ایرانی در پاریس شرق : هم‌زمان با برگزاری سی وچهارمین جشنواره فیلم فجر، پنج فیلم ایرانی در سالن کلاب اتوال پاریس به نمایش درآمده‌اند. این رویداد به همت سازمان سینمایی و رایژنی جمهوری اسلامی ایران در پاریس و سازمان گردشگری و صنایع دستی از ۳۱ ژانویه تا چهارم فوریه برگزار شده است. طی این رویداد، سالن کلاب اتوال پاریس میزبان فیلم‌های «من» به کارگردانی سهیل بیرقی، «متولد ۶۵ ساخته مجید توکلی»، «خانه‌ای در خیابان چهل‌ویکم» به کارگردانی حمیدرضا قربانی، «احتمال باران اسیدی» ساخته بهتاش صناعی‌ها و «در دنیای تو ساعت چند است؟» به کارگردانی صفی زیدانیاں بوده است. از میان این فیلم‌ها سه فیلم «من، خانه‌ای در خیابان چهل‌ویکم و متولد ۶۵ در بخش‌های مختلف جشنواره سی‌وپهارم فیلم فجر حضور دارند و دو فیلم احتمال باران اسیدی و در دنیای تو ساعت چند است؟ نیز از تولیدات سال گذشته سینمای ایران هستند که در دوره سی‌وسوم جشنواره فیلم فجر شرکت داشتند. این رویداد از سوی تماشاگران فرانسوی مورد استقبال قرار گرفته و این سالن سینمایی که در خیابان شانزه‌لیزه قرار دارد، در این چندروز پذیرای بیش از ۷۰۰ تماشاگر بوده است.

نمایش– موسیقایی ایران بانو با اجرای آئرناتیو

شرق: گروه آئرناتیو اجرایی متفاوت از نمایش–موسیقی «ایران بانو» را در فرهنگسرای نیاوران روی صحنه برد. پردیس خسروی، کارگردان و طراح حرکات این نمایش موسیقایی، با ۵۰ نفر از گروه خود تلاش کرد تا در قالب ۱۲ قطعه موسیقی – حرکت نمایی را از زاویه دید خود از دختران مام میهن به مخاطب بدهد. در بخشی از متن نمایش ایران بانو به قلم نیما خسروی آمده بود: «ایران بانو، مام میهن، مادر من و تو، همچون من و همچون تو، زن است. زن، نیمی از نوع انسان. زن، نماد بارآوری و تعالی، زن، نشان مهر و زیبایی، زن، بیان زیای خلقت با همه وجود، ایران بانو، مام میهن، مادر من و تو، همچون من و تو، همچون تو، زن است. ما، دختران ایران بانو، باید به زن بودن خود احترام بگذاریم تا رزینده باشیم دختری ایران بانو را». نمایش موسیقایی ایران بانو ویژه بانوان در هفتم بهمن‌ماه با نقش‌آفرینی نهال سرخابی، نازنین مهرین‌فر، نرگس قوجایی، هستی صالح‌حجاری، سولماز نیاززی، آیدا لطیفیان، کیانا صرفی، سودا صدافتی، مهرناز قره‌باغی، رزا قاسم‌سزاده، نونا کلهر، آیدا سرک، مهسا رستمی‌نیا، نادیا باقریان، هستی حاج‌محمدی، روزین طالب‌زاده، علانه عزله‌زاده، شیدا محسنی، سارا شامه‌میرزایی، هانا عزیزی، نوشین آقایی، سلوا شهرباف، شرمینه صالحی، مدیا موسی‌قلی، درسا اکبری، کلینا تبرزو، یاسمن رحیمی، مونا عزیزی و آوا علیخانی در فرهنگسرای نیاوران با استقبال روبه‌رو شد.

فستیوال

لغو اجرای خوانندگان زیرزمینی در پردیس

یکی از مسئولان حاضر در پردیس ملت، علت تعطیلی برنامه «فرش قرمز آپارات» را تذکر اماکن نیروی انتظامی دانست. به گزارش فارس، برنامه «فرش قرمز آپارات» با اجرای تعدادی از خوانندگان زیرزمینی در چهارمین روز برگزاری در پردیس سینمایی ملت (تالار مردمی جشنواره) تعطیل شد. در سی‌وپهارمین جشنواره فیلم فجر، در روزهای گذشته در پردیس سینمایی ملت که کاخ مردمی جشنواره است، برنامه‌های با نام فرش قرمز، با اجرای خوانندگان رب و آهنگ «سوسن‌خانم» اجرا می‌شد. یکی از مسئولان حاضر در پردیس ملت، علت تعطیلی این اجرای موسیقی را تذکر اماکن نیروی انتظامی دانست و اظهار کرد متأسفانه گروه موسیقی مزبور هیچ‌گونه مجوزی برای اجرای خیابانی و رسمی نداشته‌اند و از این نظر مدیران این پردیس سینمایی نیز مرتکب تخلف شده‌اند. شنیده‌ها حاکی از این است که قرار است این برنامه در لوکیشن دیگری به ضبط خود ادامه دهد.

فهرست داوران جشنواره فیلم برلین کامل شد

کلیاو اونس بازیگر بریتانیایی، آلیا رورواچر بازیگر ایتالیایی و... به‌عنوان داوران بخش مسابقه بین‌الملل شصت‌وششمین جشنواره فیلم برلین معرفی شدند. به گزارش هنرآلاین، برگزارکنندگان جشنواره فیلم برلین روز سه‌شنبه اسامی همکاران مرل استرپ رئیس هیأت داوران بخش مسابقه بین‌الملل این دوره جشنواره را اعلام کردند. کلیو اونس بازیگر بریتانیایی، آلیا رورواچر بازیگر ایتالیایی و مالگورزاتا شوموفسکا کارگردان لهستانی از داوران جشنواره برلین ۲۰۱۶ هستند.

امسال در مجموع ۲۳ فیلم در مسابقه جشنواره برلین حضور دارند که از میان آنها ۱۸ فیلم بخت دریافت جوایز خرس طلایی و خرس نقره‌ای را دارند. فیلم «اژدها وارد می‌شود» به کارگردانی مانی حقیقی یکی از این فیلم‌هاست. ۱۹ فیلم اولین‌بار در دنیا در بخش مسابقه بین‌الملل روی پرده می‌روند که از جمله آنها تازه‌ترین ساخته‌های توماس وینتربرگ، ندیس تانووِیج، جف نیکولز، جانفرانکو زری و آندره تشینه، برای دریافت جایزه خرس طلایی رقابت می‌کنند.

شصت‌وششمین جشنواره فیلم برلین ۱۱ تا ۲۱ فوریه (۲۲ بهمن تا دو اسفند) برگزار می‌شود. «درد بر سزار» تازه‌ترین ساخته جوئل و ایتن کونن فیلم افتتاحیه جشنواره است. امسال میشلایل لاله‌اوس، فیلم‌بردار آلمانی در برلیناله جایزه خرس طلایی افتخاری یک عمر دستاورد را دریافت می‌کند.

نخستین نمایش جهانی نسخه ترمیم‌شده فیلم «مرگ خسته» به کارگردانی فرینس لانگ در قالب بخشی از برنامه کلاسیک‌های برلیناله، از برنامه‌های این دوره جشنواره برلین است. سال گذشته «تاکسی» به کارگردانی جعفر پناهی کارگردان ایرانی جایزه خرس طلای بهترین فیلم جشنواره برلین را از آن خود کرد.



عکس: حامد ملکپور، تسنیم

با حامد بهداد درباره جشنواره فجر و اوضاع کنونی جامعه و سینما

کاش سال ۸۹ سیمرغ نمی‌گرفتم

رفته‌اند؟ آیا تاکنون بزرگداشتی درخور شان کیارستمی برای او گرفته‌اند؟

مسئولان محترم هیچ متوجه هستند که هم‌عصر شما، در مملکتی که شما سیاست‌مدار فرهنگی‌اش هستید، چه کسی در این تاریخ دارد هم‌زمان زندگی می‌کند و اتفاقاً تاریخ به نام او ثبت خواهد شد و نه به نام خیلی‌ها. چون از عباس کیارستمی فقط یکی هست، ولی پشت این میزها هزاران آدم می‌آیند، مدتی می‌نشینند و بعد هم می‌روند. هیچ به ذهن مسئولان خطور کرده که از عباس کیارستمی تجلیلی شایسته به عمل بیاورند؟ هیچ متوجه هستند که چه بر سر ناصر تقوایی آمده؟ رفتاری که با پیش‌کسوتان ما در این سال‌ها شده، به این معناست که انکار بستر جامعه دیگر ظرفیتی برای زایش چنین فرزندانی ندارد. حداقل با توجه به وضعیت کنونی چنین فرزندانی نمی‌آیند و چون جامعه چنین فرزندانی نمی‌زاید، فرزندان بعدی، مشابه با همین جامعه درهم‌ریخته و منطبق با همین جامعه دنیا خواهند آمد و فکر می‌کنند که این محدودیت، همیشگی و همه‌جایی است؛ درصورتی‌که این‌طور نیست. جهان خیلی وسیع‌تر از این جغرافیایست و اندیشه خیلی وسیع‌تر از اوضاع امروز ماست. اوضاع سینمای امروز ضد جریان اجتماعی است.

کاش به عقیده شما مشخصاً کدام یک از مسئولان باید تغییر می‌شدند؟ وزیر ارشاد و نایب ایشان در سینما، باید جورانه و با شجاعت بیشتر فضایی گسترده را برای رشد و بالندگی سینما تدارک ببینند و در کنار سینماگرانشان باشند. اما وضعیت سال‌های گذشته کمتر باعث شده اهم فی‌الاهم در رأی توجه باشند.

کاش علاوه بر انتقادی که شما به رفتار مسئولان رسمی دارید، عده‌ای هم به طور غیررسمی برای فرهنگ و هنر و به‌ویژه سینما خط و نشان می‌کشند. نمونه بارزش، اتفاقی است که برای خانم معتمدآریا در کاشان افتاد. با این عده چگونه باید حرف زد و چطور باید به آنها فهماند که این راه و رسم درست نیست؟

کاشان، یزد، اصفهان و دیگر شهرهای ما به‌رحال پیشینه و دیرینه واضحی برای همه دارند. مردم با هر تفکری که باشند، مردم‌اند. بی‌احترامی پراکندن در فضا، مطلوب هیچ‌کس نیست. تک‌تک مردم، حتی اقشار سنتی باوجود مخالفت‌هایی که با برخی و دیگر تفکرها دارند، احترام را جایگزین هر کار دیگری کرده‌اند. آنها مردم کاشان نبوده‌اند. همه ما رشد می‌کنیم و روزی راجع به گذشته‌مان فکر خواهیم کرد. اما باز هم تأکید می‌کنم که این رفتار از «مردم» کاشان سر نرزد. تنها می‌توانم بگویم که هنرمندان مملکتشان را هنوز نمی‌شناسند، اما هنرمندان آنها را می‌شناسند. شناخت ما از هم دو طرفه نیست. به محض شناخت واقعی



چه پاسخی در آینده درباره بهرام بیضایی خواهند داد؟ مهاجرت او و محرومیت نسل جوان از حضور و وجود اسطادی مانند ایشان، به گردن تک‌تک ما است. پیام من به آقای جنتی این است که با قدرت و باری بیشتر می‌توانید درباره ما و با خودمان به گفت‌وگو بنشینید؛ با شهامت هرچه بیشتر باید درباره وضعیت فرهنگ و هنر مملکت حرف زده شود و باید توضیحی برای این انفعال کنونی داشته باشید

از هم، متوجه می‌شوند که ما برادران و خواهران هستیم. نه اینکه نتوانند، می‌توانند هتک حرمت کنند، یعنی توانش هست؛ اما نباید این کار را بکنند. اجازه ندارند فحاشی کنند. آنها می‌توانند و این قدرت را هم دارند، ولی اجازه‌اش در طبیعت موجود نیست. نمی‌توانند؛ چه به لحاظ قانون الهی و چه از نظر قانون مدنی. امروزه روز شاهد اوضاع بهتری در ایران هستیم و باید قانونمندتر باشیم. ورود آقای روحانی در عرصه سیاسی یعنی ورود منطق به عرصه سیاست. باید احترام به منطق و قانون در رفتار و وجود ما، نهادهی شود. متأسفم به هنرمندی که هیچ میثاتی از او نمی‌شود، انبوهی از اضطراب و حقارت تحمیل شده و روحش آسیب دیده و متأسفم برای کسانی که هیچ خاطره‌ای از خودشان، به جا نمی‌گذارند جز ترس و ناامنی.

کاش امسال هم مثل دو سال گذشته، فیلم آقای امیریوسفی حتی از سوی هیأت انتخاب دیده نمی‌شود و ندیده‌شده رد می‌شود؛ درحالی‌که تنها خواست عوامل فیلم این بود که فیلمشان فقط از سوی هیأت انتخاب دیده شود، نه اینکه پذیرفته شود. اتفاقی که باعث شد شهاب حسینی از مشاوری جشنواره انصراف دهد. لفظی که دبیر جشنواره راجع به فیلم «آشغال‌های دوست‌داشتنی» به کار برد و آن را معضل توصیف کرد، مسبب این انصراف بود. نظر شما راجع به همه این اتفاقات چیست؟ جشنواره نباید برای ما تبدیل به یک فرش قرمزی شود که فقط هنرمندان از روی آن عبور می‌کنند و جایزه گرفتنت خبلی



با حامد بهداد درباره جشنواره فجر و اوضاع کنونی جامعه و سینما

کاش سال ۸۹ سیمرغ نمی‌گرفتم

رفته‌اند؟ آیا تاکنون بزرگداشتی درخور شان کیارستمی برای او گرفته‌اند؟

مسئولان محترم هیچ متوجه هستند که هم‌عصر شما، در مملکتی که شما سیاست‌مدار فرهنگی‌اش هستید، چه کسی در این تاریخ دارد هم‌زمان زندگی می‌کند و اتفاقاً تاریخ به نام او ثبت خواهد شد و نه به نام خیلی‌ها. چون از عباس کیارستمی فقط یکی هست، ولی پشت این میزها هزاران آدم می‌آیند، مدتی می‌نشینند و بعد هم می‌روند. هیچ به ذهن مسئولان خطور کرده که از عباس کیارستمی تجلیلی شایسته به عمل بیاورند؟ هیچ متوجه هستند که چه بر سر ناصر تقوایی آمده؟ رفتاری که با پیش‌کسوتان ما در این سال‌ها شده، به این معناست که انکار بستر جامعه دیگر ظرفیتی برای زایش چنین فرزندانی ندارد. حداقل با توجه به وضعیت کنونی چنین فرزندانی نمی‌آیند و چون جامعه چنین فرزندانی نمی‌زاید، فرزندان بعدی، مشابه با همین جامعه درهم‌ریخته و منطبق با همین جامعه دنیا خواهند آمد و فکر می‌کنند که این محدودیت، همیشگی و همه‌جایی است؛ درصورتی‌که این‌طور نیست. جهان خیلی وسیع‌تر از این جغرافیایست و اندیشه خیلی وسیع‌تر از اوضاع امروز ماست. اوضاع سینمای امروز ضد جریان اجتماعی است.

کاش چه شد که در «نیمه شب اتفاق افتاد» نقشی را بازی کردید که با خودتان خیلی فاصله دارد؟ خودتان برون‌گرا هستید و نقش‌هایی که تاکنون بازی کرده‌اید نیز اغلب با کشمکش‌های بیرونی همراه هستند. چه شد نقش یک عاشقی که از فرط خجالت موقع حرف‌زدن لکنت‌زبان می‌گیرد و نمی‌تواند عشق‌اش را به زبان بیاورد، بازی کردید؟

برایم فرصت تازه‌ای بود. ما آرکی‌تایپ‌های مختلفی را زندگی می‌کنیم. گاهی هرمس یا گاهی زنوس، آفرودیت، هرا، دیونیزوس و... . درواقع ما در جریان زندگی، نقاب و ماسک‌های مختلفی را به صورت خودمان می‌زنیم. ذهن ما ایگو و سوپرایگوی ما، اشکال مختلفی به خودشان می‌گیرند. در بخش هشیار ذهن‌مان و همین‌طور در بخش ناهشیار وسیع ذهن‌مان تکرانه‌هایی را احساس می‌کنیم که گاهی اوقات تبدیل به خود همان تکرانه‌ها می‌شویم و در برابرشان واکنش نشان می‌دهیم. عشق، یا نیاز جنسی، یا احساسات خیلی غنی‌شده و لطیف و نحیف، یا سرخوردگی و افسردگی و... می‌تواند واکنش‌های متفاوتی را در انسان‌های مختلف رقم بزند. یک بازیگر اگر فهمی درست از اوضاع و موقعیت‌های دراماتیک دارد، باید حتی در پروژه سینمایی‌ای که متفاوت از نقش‌های همیشگی‌اش است شرکت کند تا کارنامه‌اش پر باشد از رنگ‌آمیزی‌های مختلف با نقش‌های گوناگون. من هم با درنظرداشتن همه اینها، فکر کردم لازم است این نقش متفاوت را بازی کنم.

این تفاوت چشمگیر بین خودتان و کاراکتر حسین در این فیلم، کار را برایتان دشوار نکرد؟

موقعیت حسین در این فیلم، موقعیت قابل درکی است و راحت می‌توان با آن برخورد کرد. شاید ناکامی‌های همه ما در عشق‌های گذشته یا احتمالاً آینده، می‌تواند این نیاز را در ما ایجاد کند که ما این فیلم را بسازیم، بازی کنیم یا حتی بخوایم چنین فیلمی را تماشا کنیم و این کاری را سخت نمی‌کند، بلکه ساده هم می‌کند؛ چون به‌رحال عشق‌ورزیدن، دوست‌داشتن و انواع و اقسام سوتفاهم‌های در پی‌شان که بین این مفاهیم ممکن است شکل بگیرد، ما را بارها در زندگی عادی به چالش کشانده و چندان دور از ذهن نیست.

کاش مدت‌هاست که اوضاع سینما بحران‌زده توصیف می‌شود؛ بحران‌های مختلفی ازجمله قهر مخاطب، سیاست‌گذاری‌های نامقبول، ورشکستگی اقتصاد سینما و... در این سال‌ها تجربه شده‌اند. شما اصلی‌ترین بحران سینمای امروز را چه می‌دانید؟

شاید یک جور درهم‌ریختگی و سوءمدیریت. بودجه‌ای برای فیلم‌های مستقل و جریان‌های خصوصی سینما اختصاص داده نشده، ولی مسئولان هم، اغلب از افرادی تشکیل شده‌اند که چیزی درباره هنر نمی‌دانند. آنها سیاست را بلدند و می‌شناسند. آنها سیاست‌مدار هستند، ولی هنرمند نیستند! کارشناس و دولتمردانی که در وزارت ارشاد هستند، کمتر درباره هنر می‌دانند.

در کارنامه‌شان اندکی تئاتر، موسیقی یا یکی، دو تا فیلم بد وجود دارد، اما آنها واقعاً هنرمند نیستند. آنها دقیق و عمیق هنر و هنرمندان سرزمین خودشان را نشناخته‌اند و بی‌جهت از سوی آنها دچار ترس هستند و سانسورشان می‌کنند. آنها کسانی هستند که ذهن خودشان درباره هنر محدود است و نمی‌توانند با وسعت ذهن آرتیست‌های دیگر روبه‌رو شوند و این وسعت را درک کنند و به همین دلیل چون با جهانی ناشناخته مواجه می‌شوند، دچار انقباض شده و با حس بی‌اعتمادی به هنرمند، دست به ممیزی او می‌زنند. سینمای عالی جناب عباس کیارستمی، به کجای این جامعه می‌تواند ضرر برساند؟ ولی مسئولان هیچ توجه کرده‌اند که سینمای او می‌تواند سود برساند؟! می‌دانند سینمای او و گفت‌وگو درباره آثارش می‌تواند سطح شعور را بالا ببرد. اما ببینید امروز آقای کیارستمی کجاست؟ کجا مسئولان به پیشواز چنین شاعر مهمی